

## کنکاشی پیرامون مفهوم حکمرانی محلی

سیده ملیحه حسینی

نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، گرایش توسعه منابع انسانی، موسسه آموزش عالی عطار، مسئول امور دبیرخانه شورای

اسلامی شهر مشهد مقدس

[malihe.hosseini.9852@gmail.com](mailto:malihe.hosseini.9852@gmail.com)

فیضیه فروغی فر

کارشناسی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کارشناس مطالعات و آموزش شورای اسلامی شهر مشهد مقدس

[forooghifar-f@mashhad.ir](mailto:forooghifar-f@mashhad.ir)

اسما زارع

کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، دبیر کمیسیون ساماندهی حاشیه شهر شورای اسلامی شهر مشهد

مقدس

[zare.shora@gmail.com](mailto:zare.shora@gmail.com)

مجید دانش پژوه مقدم

کارشناسی حقوق، گرایش حقوق اداری، دانشگاه علمی کاربردی قوه قضاییه خراسان رضوی، کارشناس دبیرخانه شورای اسلامی شهر مشهد

مقدس

[mjydmqdm86@gmail.com](mailto:mjydmqdm86@gmail.com)

### چکیده

حکمرانی محلی و همکاری میان شهرداری، اثری ارزشمند و آینده نگر است که ضرورت همکاری را به عنوان عنصری حیاتی برای حکمرانی محلی در قرن بیست و یکم مورد تأکید قرار می دهد. حکمرانی به وجود روابط متعامل بین حکومت و نیروهای غیرحکومتی اشاره دارد. در حکمرانی محلی، شهروندان حاکمان اصلی بوده و سطوح مختلف حکومت آماده هستند تا به عنوان کارگزار اجرای حکمرانی عمومی خدمت کنند. در حالیکه شورایاری ها برای ارتباط با شورای شهر در سال های اخیر ایجاد شده اند، فاقد قدرت کافی هستند و رابطه تعریف شده ای با شورای شهر و شهرداری ندارند. به منظور تحقق حکمرانی محلی در ایران، باید به نقش شورایاری محلات به عنوان پل ارتباطی قوی میان سطح محلی و ملی توجه ویژه ای داشت. لذا شناخت مسائل و چالش های پیشروی اجرای حکمرانی محلی می تواند به تحکیم جایگاه شورایان کمک بسزایی نماید که در این مقاله به برخی از آن ها اشاره شده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمرانی محلی، شورایاری ها، شهرداری.

## مقدمه

مفهوم حکمرانی محلی گرچه به قدمت تاریخ بشر است، در دهه های اخیر وارد گفتمان وسیعی شده و کشورها را بر آن داشته تا نقش سطوح مختلف حکومت و روابط آنها با مردم، بخش خصوصی و سایر ذی نفعان را مورد بررسی مجدد قرار دهند. در حکمرانی محلی، اداره و فراهم کردن کالا و خدمات مورد نیاز جامعه در تعامل با شهروندان مورد توجه است (کیقبادی و همکاران، ۱۴۰۳). تا به امروز کشورهای مختلف با انگیزه های متنوع، مسیرهای مختلفی را برای دستیابی به حکمرانی کارآمد محلی طی کرده اند تا بازیگران و کنشگران مردمی، در فرایند اداره ورود پیدا کرده و شبکه هایی از بازیگران به هم پیوسته در بخش های عمومی، خصوصی و مردمی را شکل دهند (Kokaj & Blerton, 2023). کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به جهت جغرافیای وسیع، برای اداره امور محلی، در کنار لزوم وحدت، نیازمند ایجاد الگوی حکمرانی محلی است که بتواند نیازهای واقعی جامعه را شناسایی کرده و در راستای رفع آنها برآید. حکمرانی محلی به عنوان رویکردی نوین در حکومت داری، در راستای رفع چالش های تمرکزگرایی و سیاست گذاری از بالا به پایین مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد نیازمند توجه اکید به همه ذینفعان جامعه از جمله گروه های مردمی و کسب و کارها و روابط و مشارکت بین آنها، توانمندسازی و ایجاد ظرفیت برای تبدیل ظرفیت های محلی و مردمی منفعل به کنشگرانی فعال در اداره امور کشور است. مجلس شورای اسلامی نیز به منظور بهره گیری از همه ظرفیت های مردمی در امر قانون گذاری و نظارت، ضروری است بهره گیری از تجارب و سازوکارهای حکمرانی محلی را مورد توجه قرار دهد (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱).

جهانی شدن و انقلاب اطلاعاتی و ضرورت بازنگری در روابط و نقش های شهروند-دولت و رابطه دولت با نهادهای فراتر از خود کشورهای زیادی را بر آن داشته تا تمرکز بیشتری بر حکمرانی محلی داشته باشند. مفهوم حکمرانی محلی به قدمت تاریخ بشریت است، و در دهه های اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. نقش حکومت محلی ارائه خدمات بهتر و حکمرانی مؤثرتر از طریق نزدیک کردن دولت به شهروندان و ایجاد درک بهتر از نیازهای آنهاست و این امر مستقیماً بر توسعه محلی و بهبود زندگی شهروندان تأثیر می گذارد (دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۹). به رغم وجود دولت های محلی از دیرباز، در عصر حاضر حکمرانی محلی به عنوان تسهیل کننده ایجاد ارزش عمومی مورد توجه قرار گرفته است که حاکی از نقش مدرن یک دولت محلی، در پی رفع مشکلات ناشی از کژکارکرد یهای بازارگرایی و دولت گرایی متمرکز است. این نقش مستلزم آن است که دولت محلی نقش میانجی را در میان نهادها و شبکه های مختلف برای تقویت و هم افزایی نیروهای مردمی و اجتماعی برای بهبود کیفیت زندگی ساکنان ایفا کند. یک سیستم پایدار حکمرانی محلی، سیستمی است که بتواند نقش های اجتماعی چهارگانه حمایت از هویت سیاسی؛ تضمین توسعه اقتصادی؛ تسهیل تأمین رفاه و توزیع مجدد؛ حمایت از تغییر و توسعه سبک زندگی و انتخاب های شهروندان از طریق اجرای حکمرانی اجتماع محور را ترکیب کند و حکمرانی اجتماع محور را به عنوان کارکرد اجتماعی کلیدی خود در نظر گیرد (کیقبادی و همکاران، ۱۴۰۳).

حکمرانی محلی برای ایجاد فرصت های تغییر، نیازمند چشم اندازی مشترک و مجموعه ای از ارزش ها، تقویت همکاری چندبخشی و افزایش ظرفیت های اجتماعی برای شکل دادن به آن نتایج است. یافته های محققان نیز حاکی است که یک مجموعه از بهترین ظرفیتهای، ویژگی ها و ساختارها، فرایندهای حل مشکلات یا استراتژی تغییر در جامعه وجود ندارد و تاکنون کشورهای مختلف به دلیل تفاوت در ساختار دولتی، زمینه ها و بسترهای اجتماعی، در عمل شاهد انواع متنوعی از حکمرانی محلی بوده اند. در نهایت آنچه مهم است همسویی ظرفیت های ایجاد شده با مجموعه خاصی از اهداف در سطح اجتماع است. شواهد حاکی از آن است که در حال حاضر در کشور ما سطح حکمرانی محلی با چالش ها و کمبودهایی مواجه است؛ به گونه ای که به طور کامل به ذینفعان موجود در حکمرانی محلی و نقشها و روابط بین آنها توجه نشده است و ساختار بخش دولتی نیز دچار آسیب ها و نواقصی همچون فقدان ساختارهای رسمی نیز دچار آسیب ها و نواقصی همچون ضعف در الگوی مناسب کارکردهای دولت در سطح محلی، ضعف

در استقلال در برخی سازوکارهای محلی دولت و وابستگی مالی در برخی نهادهای محلی به دولت است و حتی در بین مطالعات مختلف درخصوص متولی بخش عمومی در سطح حکمرانی محلی اتفاق نظر وجود ندارد. این در صورتی است که علاوه بر نهادهای سازی و نهادسازی مؤثر برای حکمرانی محلی در بخش دولتی، نیازمند توجه اکید به سایر ذینفعان از جمله جامعه و کسب و کارها و روابط و مشارکت بین آنها، توانمندسازی و ایجاد ظرفیت برای تبدیل شهروندان منفعل به فعال و ایجاد یک حکمرانی اکوسیستم عمومی هستیم (صابری و یزدانی، ۱۴۰۱).

جهانی شدن و انقلاب اطلاعاتی، کشورهای زیادی را بر آن داشته تا نقش سطوح مختلف حکومت و مشارکت آنها با بخش خصوصی و جامعه مدنی را مورد بازبینی مجدد قرار دهند. این اصلاحات معمولاً شامل انتقال مسئولیت به دولت‌های محلی و فراتر از بخش دولتی و با هدف ایجاد حکمرانی محلی است؛ تا آنجا که امروزه این ایده شهرت زیادی پیدا کرده و کشورهای در حال توسعه شاهد تحولات مثبتی در این خصوص می باشند و حکمرانی محلی در این جوامع نقش پررنگی را برای ارائه خدمات عمومی برعهده گرفته است. وسعت جغرافیایی کشورها نیز یکی دیگر از دلایل ضرورت عدم تمرکز، حکمرانی چند سطحی و پیاده سازی حکمرانی محلی است. با این منطق نظری که انتقال برخی اختیارات، منابع، مسئولیت‌ها و پاسخگویی از دولت مرکزی به سطوح محلی، به سازمان‌ها و نهادهای محلی این توانایی را می دهد که خودگردانی و توسعه مؤثرتری را متناسب با شرایط منطقه خود داشته باشند. این تفویض، موجب می شود به دلایلی از جمله اقتصاد اطلاعاتی، هماهنگی، نزدیکی به ذینفعان و آشنایی با ترجیحات افراد، مشارکت و پاسخگویی بهبود یافته و ارائه خدمات عمومی به شکل مناسب‌تری در جامعه محقق شود.

## مبانی نظری

### حکمرانی محلی

تغییرات طی سال‌های گوناگون در سراسر جهان دولت‌ها را دچار تحولات متعددی کرده است (خجسته‌کاشانی و همکاران، ۱۴۰۴). تغییرات خارجی مانند افزایش وابستگی اقتصادی، فرایند جهانی شدن، تغییر فناوری‌ها و سقوط کمونیسم در شرق اروپا، تغییرات داخلی کشورها و دولت‌ها مانند خصوصی سازی خدمات دولتی، بازسازی سامانه دولت‌های محلی و تغییر در روابط میان دولت‌ها، تحولات سیاسی مانند تغییر در کنترل سیاسی در یک شهرداری، تغییرات اجتماعی مانند جداسازی شهرها، رشد نابرابری اجتماعی در شهرها که به افزایش تقاضا برای مسکن مناسب و خدمات اجتماعی و توسعه زیرساخت‌ها منجر شده است، همگی در پدید آمدن حکمرانی‌های محلی نقش مهمی داشته است. اصطلاح محلی به شرایط مکانی اشاره دارد. خلاف بافت‌های ملی یا حتی جهانی، بعد محلی معمولاً نزدیکترین سطح از نظر فضا به مردم را توصیف می کند، اما نگاه به سطح محلی به خودی خود هیچ اطلاعاتی را ارائه نمی دهد، بلکه تنها زمانی کاربرد دارد که به صلاحیت ساختاری مرتبط باشد (کوشش تبار و همکاران، ۱۴۰۳). حکمرانی محلی به لحاظ تاریخی مقدم بر پیدایش دولت ملت‌هاست در تاریخ باستان قبایل و طوایف در اکثر مناطق جهان سیستم‌هایی از حکمرانی محلی تاسیس کردند و اصول رفتار و راه‌های خود را برای افزایش درآمد و عرضه خدمات به اعضای قبیله یا طایفه بنیان نهادند. ریش سفیدهای قبیله یا طایفه درباره نقش‌ها یا مسئولیت‌های اعضای مختلف اجماع به وجود می آوردند. از اوایل دهه ۱۹۹۰، نوعی گذار از مدیریت متمرکز به مدیریت محلی رخ داد و در ادامه و از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی بر تقویت نهادی سازمانی و ظرفیت‌سازی محلی و توسعه ظرفیت بیش از پیش پافشاری شد. بنابراین، لزوم تغییر از ساختارهای ایستا و متکی به دولت به سوی درک جایگاه و نقش سایر بازیگران در اداره اجتماع و تصمیمات مربوط به اجتماع محل بیشتر احساس شد. بخشی از این تغییرات را می شود به تمرکززدایی و واگذاری وظایف و مسئولیت به پایین‌ترین سطوح گسترده شدن مشارکت اجتماعات محلی و لزوم تسهیم قدرت و

بخش دیگر را در ارتباط با تغییر نقش حکومت های محلی و پذیرش نقش اجتماعات محلی در سیاستگذاری ها مرتبط دانست (متقی و همکاران، ۱۳۹۸).

### مدل های حکمرانی محلی

بررسی مدلهایی که در زمینه حکمرانی محلی ارائه شده است به درک این مطلب کمک می کند که مدل واحدی در رابطه با حکمرانی محلی وجود ندارد بلکه چندین مدل وجود دارد که در رقابت با یکدیگر هستند از میان مدلهایی که در این رابطه ممکن است وجود داشته باشد چهار مدل محلی گرا مدل فردیت گرا مدل پویا مدل تمرکز گرا معرفی می شود. مطابق جدول (۱) از میان مدل های مطرح شده مدل محلی یکی از مرتبط ترین مدلها به حکومت محلی است و عموماً تأکید بر برون ریزش هیات نمایندگان حکومت محلی و موسسه ها دارد از نظر این مدل ضروری ترین چیز درباره حکمرانی محلی این است که باید به عنوان تجلی خواسته های انتخاب محلی در نظر گرفته شود، موسسه های حکومت محلی باید برای تضمین این که آنها مسئول نیازهای محلی هستند به محل پاسخگو باشند و استقلال کافی برای تصمیم گیری در خصوص انعکاس نیازهای شهروندان محلی را داشته باشند.

جدول ۱. مدل های حکمرانی محلی

مدل ها	اهداف اصلی	نگرش به استقلال محلی	نگرش به مشارکت عمومی
محلی گرایی	بیان و برآوردن نیازهای انجمن های محلی	کاملاً موافق	حمایت گرایانه اما اولویت را به نمایندگان منتخب می دهد
فردیت گرایی	تضمین انتخاب فردی و پاسخ دهی در قبال خدمات	گرایش به طرفداری اما تشخیص نیا تمرکز را به مداخله سطوح بالاتر برای حمایت از افراد می گذارد	طرفدار مشورت با مصرف کننده
پویا	توسعه سیاست های تغییر	کاملاً موافق به عنوان بخشی از فرایند تغییر	کاملاً موافق
تمرکز گرایی	حفظ استانداردهای ملی و اولویت دموکراسی ملی	کاملاً مخالف	سهم محدود

علاوه بر موارد بیان شده، پیرو گسترش حکمرانی محلی، قوانینی در کشور به تصویب رسیده است که از مهم ترین آنها قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (۱۳۹۶) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲)، قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴) و قانون استفاده متوازن از امکانات کشور برای ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه یافته (۱۳۹۳) است.

### مسائل و چالش های حکمرانی محلی در ایران

#### چالش های شورایاران در تحقق حکمرانی محلی

به منظور تحقق حکمرانی محلی در ایران باید به نقش شورایاری محلات به عنوان پل ارتباطی قوی میان سطح محلی و ملی توجه ویژه ای داشت لذا شناخت مسائل و چالش های پیشروی شورایاران می تواند به تحکیم جایگاه آنها کمک بسزایی نماید. در ادامه به مهمترین این چالش ها و مسائل اشاره می شود:



- عدم شفافیت مواد قانونی و مبهم بودن حدود و اختیارات شوراهای قوانین عادی در خصوص شوراهای به طور اعم، ناکارآمدی های زیادی دارد و ابهام در قوانین موجود و نبود قوانین عادی مورد نیاز با پشتوانه فکری، اجتماعی و سیاسی لازم برای شورایی ها منجر به بروز مشکلات عدیده ای برای آن ها می گردد.
- عدم استفاده از نظرات شورایاران بهره گیری اندک از نظرات اعضای شورای شهر، باعث انفعال و عدم کارایی شورایی های محلات شده است.
- وابستگی بیش از حد شورایاران به شهرداری شورایی ها بایستی به عنوان یکسری انجمن های غیرسیاسی و غیرانتفاعی به تصمیم گیری های شورای کمک کنند اما به جای آن یار شهرداری شدند. عملاً از آنجا که امکاناتشان در دست شهرداری ها بود بیشتر به شهرداری وابسته شدند.
- شفاف نبودن دایره عملکرد شورایی ها این امر موجب شده برخی اقدامات آنها مداخله در روند کار شهرداری محسوب شود.

#### خلاهای قانونی نهاد شورایی در اسناد بالادستی کشور

- فقدان سازوکاری برای نظارت شورایی ها در محله کارکرد اصلی نهاد شورایی نظارت است. ولی ساز و کاری برای واگذاری وظیفه نظارتی شورای شهر در سطح محلات به شورایاران وجود ندارد تا برنامه ریزی های بودجه ای عمرانی، فرهنگی و اجتماعی منطبق با نیازهای واقعی و میدانی محلات صورت گیرد.
- فقدان جایگاه قانونی روشن شورایی ها بطور مثال این امر موجب شد که پس از گذشت حدود ۱۷ سال از عمر شورایی ها انتخابات دوره پنجم فعالیت آنها به بهانه نداشتن مجوز قانونی از سوی وزارت کشور به تعویق افتاد. اتفاقی که در دوره چهارم نیز افتاده.
- سوء استفاده برخی شورایاران از جایگاه خود و تخلفات آنها این امر موجب بی اعتمادی مردم به آنها و به تبع کاهش مشارکت آنها شده است.
- درگیری شورایی ها در فعالیتهای سیاسی و حزبی براساس آیین نامه شورایی ها اجازه فعالیت سیاسی ندارند ولی درگیری آنها در برخی از فعالیت های سیاسی منجر به مشکلاتی شده است.
- فقدان جایگاه در نظام مدیریتی محله و منطقه فقدان نهادینگی شوراهای وجود نگرش های منفی سازمانهای دولتی به شورایی ابهام در آیین نامه اساسنامه و دستورالعمل ها در شورایی و فقدان نظارت شورای اسلامی شهر بر شورایی موجب شده است که سازمانهای محلی و تا حدودی شهرداری ها، شورایی محله ها را فاقد قدرت نظارتی و اجرایی بدانند و با آنان تعامل نداشته باشند.
- فقدان مشارکت و تعامل مردم با شورایی ها ناآگاهی شهروندان از شورایی محله و نا آشنایی شهروندان از شورایاران محله خود است منجر به ناکارآمدی شوراهای در اجرای اهداف خود شده است.

- فقدان تعاملات بین گروهی در شورایاری ها شوراهای فاقد ارتباط قانونی و نظام مند با همدیگر و نهادهای ذی ربط در مدیریت شهری در تمام سطوح هستند. به ویژه در کلانشهرها شوراهای ارتباط با تک تک محله های مختلف را ندارند و در نتیجه نبود ارتباط منظم و سازمان یافته محلات، پیوند هدفمند و سیستماتیک شهر را نیز دچار مشکل خواهند کرد.
- وجود تعارضات و تناقضات قانونی نقطه عطف این مسئله موضوع ضرورت تفویض مسئولیت و اختیارات دولت به شوراهای از یک سو و نظارت دستگاههای دولتی بر مصوبات شوراهای از سوی دیگر است که با امکان اعلام غیر قانونی بودن مصوبات شوراهای را عملاً منسوخ می کنند.
- فقدان بودجه شفاف و مشخص و مستقل و وابسته بودن به منابع در آمدی شهرداری
- ضعف و کمبود اطلاعات اعضای شورا این ضعف و کمبود اطلاعات، فرآیند تصمیم گیری و تصمیم سازی های آنها را تنزل داده و خلاقیت و نوآوری آنها را به شدت کاهش داده است از طرفی دیگر، ساختار نامتعادل شوراهای، به علت عدم آموزش اعضا و عدم آمادگی کامل آنها بر ایفای مسئولیت ها و مأموریت های آنها می باشد.
- نبود بستر فرهنگی و اجتماعی جهت پذیرش نقش شورایاری ها
- عدم همراهی نهادهای حاکمیتی به ویژه مجلس با شورایاری ها
- ناهمسازی بدنه مدیریتی کشور در سطوح مختلف با نهاد شورا
- مشکلات بین مطالبات افکار عمومی از شوراهای با میزان قدرت قانونی اجرایی و عملکردی اعضای آنها
- عدم وقوف مسئولان و مدیران نظام به جایگاه و نقش مهم شوراهای شهری
- فقدان ضمانت اجرایی تصمیم های شوراهای برای شهر
- عدم ارتباط موثر و مفید شوراهای شهر با نظام های سیاسی و حکومتی کشور
- فراهم نبودن بستر و زیرساخت های کافی برای فعالیت شوراهای

#### راهکارهای تحقق حکمرانی محلی

در پاسخ به مشکلات و چالش های پیش روی شورایاری ها پیشنهادات زیر ارائه می گردد.

- به منظور جلب مشارکت و تعامل متقابل مردم محله با شورایاری ها لازم است اطلاع رسانی بیشتری در محلات صورت گیرد. به عنوان نمونه چاپ روزنامه ها یا هفته نامه های محلی و برپایی تابلوهای اطلاع رسانی در اماکن عمومی محله که در آن مصوبات شورای محله نشانی اعضا و اقدامات صورت گرفته در دسترس همگان قرار می گیرد می تواند مثر واقع شود.
- شورایاری ها قانونی شوند یا با توجه به کمبودهای شورایاری ها در سیستم مدیریت فعلی به شوراهای محله که در قانون اساسی به آن اشاره شده است و متولی برگزاری آنها فرمانداری می باشد. ارتقا یابند. همچنین آئین نامه مربوط به شورایاری ها بطور کامل اجرا شود.

- تعریف ساز و کار قانونی جهت برگزاری جلسات مشترک شورایاریها در سطح محلات ناحیه و در محلات با مردم در قضاای عمومی و با توجه خاص به خواستهها و مشکلات تمام شهروندان صورت پذیرد. جلسات مشترک شورایاریها در سطح نواحی مختلف می تواند سبب بالا بردن سطح آگاهی عمومی شورایاران و ایجاد پیوستگی گروهی بین آنها گردد.
- به منظور ایجاد منبع درآمدی مستقل برای شورایاریها و نیز اجرایی شدن سیاست محلی گرایی و تمرکز زدایی و انجام امور در سطوح خرد، لازم است که درآمد هر سطحی در همان سطح هزینه شود و تنها درصدی از آن به شهرداری مرکز انتقال یابد.
- ورود رسانه ملی و سایر رسانه های عمومی به انتخابات شورایاریها و جدی گرفتن شورایاری، می تواند باعث آشنایی شهروندان با حیطه وظایف و اختیارات شورایاری باشد. همچنین برگزاری جلسات آشنایی مردم با شورایاریها بعد از انتخاب شدن و شرکت اعضای شورایاریها در مراسم و جشن های عمومی باعث شناخت بیشتر و ایجاد ارتباط نزدیکتر شورایاریها با مردم محله می شود.
- آموزش های مستمر به منتخبان شورایاران محلهها در پیگیری امور شهری می تواند ساختار نامتعادل شورا را از حیث ناهمگونی اعضای شرکت کننده بهبود بخشد.
- نهادهای بالادستی و مجلس شورای اسلامی می توانند با رفع خلاهای قانونی اعتبار قانونی و حقوقی شورایاری را بهبود بخشند. در صورت رفع خلاهای قانونی به طور حتم مدیریت شهری نیز اهتمام بیشتری در تعامل و همراهی با دغدغه های شورایاران دارد و دوگانه شهرداری و شورایاری نیز شکل نخواهد گرفت.
- مهمترین مشکلاتی که باید شورایاران در خصوص مسائل و مشکلات و حتی آسیب های موجود در محله به آن توجه کنند آن است که نباید به تنهایی تصمیم گیری کننده حل مشکلات مردم تنها زمانی امکان پذیر است که مشارکت اجتماعی آنها در جهت این هدف مورد توجه قرار گیرد و این یعنی اینکه شورایان باید مردم محله را درگیر حل مشکل کنند. شورایاران می توانند با شناسایی نخبگان و فعالان در سطح محلات، اولین گام را برای حل معضلات بردارند چرا که به طور قطع، در سطح هر محله کارشناسان شاخصی وجود دارند که در حوزه های ورزش، اجتماعی و اقتصادی فعال هستند و بدین ترتیب شورایاری می تواند این افراد را شناسایی کرده و از آنها دعوت بعمل آورد تا بدین ترتیب مشکلات و مسائل آن محله از زبان نخبگان بیان شود و راه حل های احتمالی ارائه شود.
- عملی کردن واگذاری فعالیتهای ذاتی محلی به سطح محلی توسط اعضای شورایاریها برای تحقق حکمروایی محلی امری لازم به نظر می رسد که البته بایستی با عزم جدی حکومت مرکزی همراه باشد.

#### پیشنهاد راهکارهای تقنینی یا راهکارهای سیاستی

بر اساس آسیب های شناسایی شده و ظرفیتهای موجود توصیه ها و راهکارهای زیر ارائه می شود.

- اندیشکده های حکمرانی استانی: طراحی الگوی کنشگری و تعامل مؤثر مجلس شورای اسلامی با استانها و شهرها مبتنی بر ظرفیت اندیشکده های حکمرانی استانی و ظرفیتهای شورای عالی استانها

- کمیسیون برنامه و بودجه مجلس: امکان سنجی و حرکت به سمت تدوین سازوکارها، پیوستها و برشهای استانی برنامه های توسعه در کشور با تأکید بر اقتضائات کمیسیون برنامه و بودجه مبتنی بر آمیشهای تخصصی سرزمینی
- معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی: طراحی چارچوب و دستورالعمل اجرایی سازی و تناسب بخشی قوانین نسبت به اقتضائات سرزمینی و ویژگیهای محلی و منطقه ای جامعه هدف با همکاری شوراهای شهر و روستا،
- خانه خلاق و مرکز نوآوری قوه مقننه مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی: توسعه ایده پردازی نوآورانه محلی منطقه ای متناسب با نیازهای نظام قانونگذاری دفاتر مردمی نمایندگان مجلس کارآمدسازی ارتباطات مجلس شورای اسلامی در حکمرانی محلی و منطقه ای، مبتنی بر ساماندهی
- دفاتر مردمی نمایندگان مجلس شورای اسلامی: جهت دریافت نظرها و اولویتهای سطح محلی و لحاظ کردن از آنها در بدنه قانونگذاری
- مرکز ارتباطات مردمی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی: جذب مشارکت گروههای مدنی و مردمی در فرایند قانون گذاری، مسئله یابی و دستور کارگذاری موضوعات کمیسیونها مبتنی بر نیازهای منطقه ای و در تعامل با گروه های مردمی و اجتماعی، تقویت اطلاع رسانی های محلی و منطقه ای مجلس شورای اسلامی توسعه سازوکارهای جمع سپاری محلی و منطقه ای در فرایند قانون گذاری مبتنی بر ظرفیتهای حساسانه مجلس بار»
- کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس: تقویت کمیته حکمرانی محلی جهت بسترسازی تقنینی و نظارتی برای کارآمدسازی و ارتقاء نقش شوراهای، از حالت مشورتی به تصمیم گیری و از حالت تراکم زادی به تمرکززدایی و نیز بسترسازی و پیگیری لایحه مدیریت جامع شهری

#### بحث

یکی از راهبردهای اصلی حکمرانی مطلوب توجه به حکمرانی محلی است؛ چراکه حکومتها به طور روزانه با شهروندان و جوامع تعامل دارند. طراحی الگوی مناسب حکمرانی محلی، ابزاری حیاتی برای تضمین صلح تقویت توسعه اقتصادی بیشینه سازی کارایی اداری و تضمین شمول اجتماعی و پایداری محیطی است این کار از طریق حمایت از تمرکز زدایی و مردم سالاری محلی، به ویژه امور مالی محلی انجام می پذیرد. امروزه در بسیاری از کشورها به این امید که دولت های غیر متمرکز انتظارات بسیاری را برآورده می سازند که منعکس کننده خواسته های زمان کنونی است اشکال گوناگونی از تمرکززدایی در حال اجرا است. انتظار می رود این اقدامات دولتها را هم به مردم سالاری و هم به توسعه رهنمون سازد. در راستای مردم سالاری، هدف از تمرکز زدایی آن است که فرصتهای مشارکت شهروندان در فرایندهای تصمیم گیری محلی افزایش یابد. در مورد توسعه اقتصادی انتظار می رود دولتهای غیر متمرکز، با پاسخگویی بیشتر و ارائه خدمات عمومی بر اساس نیازهای مردم، فقر را کاهش دهند؛ بنابراین، تمرکز زدایی بیشتر به عنوان نوعی سیاست موجه هنجاری در نظر گرفته شده که انتقاد از آن دشوار است. با این حال در هر شرایطی و در هر جایی تمرکززدایی نمی تواند هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی موفق باشد.

چالش نظم عمومی و ثبات سیاسی، جزء مهم ترین عواملی است که از رفتن دولتها به سمت تمرکز زدایی جلوگیری میکند به طور معمول کشوری که از جغرافیای فرهنگی گونه گونی برخوردار است، حکمرانی محلی (استانی) به مطلوبیت و کارآمدی بیشتر نظام سیاسی می انجامد؛ اما چالش پیش گفته همواره پیش روی سیاست گذاران قرار دارد؛ بنابراین در اینجا مسئله اساسی، چگونگی تبیین کارآمدی و مطلوبیت حکمرانی محلی در بستر دغدغه امنیت و ثبات است که در این نوشتار کوشیدیم با رویکردی توصیفی - تحلیلی به برخی از ابعاد و زوایای آن بپردازیم. در این راستا، با طرح مؤلفه شهروندی به مثابه متغیری، کلیدی میان حکمرانی محلی



و امنیت با قدرت ملی رابطه ای ایجابی برقرار شد که می توان آن را حکمرانی محلی شهروند محور نامید حکمرانی محلی مطلوب می تواند با افزایش مشارکت شهروندان و در نتیجه افزایش مشروعیت نظام سیاسی در راستای همگرایی امر محلی و امر ملی، توفیق بیشتری داشته باشد. براینکه این مسئله افزایش قدرت ملی کشور خواهد بود.

## منابع و مآخذ

- (۱) کیقبادی، م. (۱۴۰۳). مروری بر رویکردها، تجارب و سازوکارهای حکمرانی محلی و پیشنهادهایی برای مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش های مجلس، تهران.
- (۲) حیدری، ر.؛ داودی، ع. ا.؛ جوانشیری، ا. (۱۴۰۱). شوراها، اسلامی شهر و روستا و تحقق حکمرانی خوب در ایران پس از انقلاب اسلامی، جامعه شناسی سیاسی ایران، ۵، ۹، ص ۱۲۲۸-۱۲۷۰
- (۳) خجسته کاشانی، ا.؛ زبردیان، ز.؛ زنگنه اسدآبادی، ل. (۱۴۰۴). تحولات مفهومی و سیر تاریخی حکمرانی محلی ( مطالعه موردی شهر مشهد)، اولین کنفرانس ملی چشم انداز آینده شهرها با محوریت توسعه پایدار فرهنگی و شهر خلاق، شیراز.
- (۴) دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش های مجلس. (۱۳۹۹). کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها وظایف، اختیارات و اولویت های پیشنهادی، شماره مسلسل ۱۷۰۶
- (۵) کوشش تبار، م.؛ میرقادر، سید ا.؛ سلیمانی، م. (۱۴۰۳). کاوشی در گستره حکمرانی محلی با توجه به توسعه کارآفرینی. فصلنامه علمی حکمرانی متعالی، ۵(۱)، ۱۳۵-۱۷۰.
- (۶) متقی، ا.؛ قربانی سپهر، آ.؛ سلطان محمدی، ز. (۱۳۹۸). واکاوی نقش دولت های محلی در توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: شهرهای ایران، نگرش های نو در جغرافیای انسانی، ۱۱(۴)، ۳۲۵-۳۴.
- 7) Kokaj, Ambra & Blerton, Sinai. (2023). The multi-level governance of the European union: the role of the local government. *s.l. : Juridical Trib.*, 13(32): 1-10.
- 8) Konečný, Ondřej, Binek, Jan and Svobodová, Hana. (2020). The rise and limits of local governance: LEADER/
- 9) community-led local development in the Czech Republic. Contemporary Trends in Local Governance: Reform, Cooperation and Citizen Participation, 173-193,
- 10) Mohd Noh, A. N., Razzaq, A. R. A., Mustafa, M. Z., Nordin, M. N., & Ibrahim, B. (2020). Elements of Community
- 11) Capacity Building (CCB) For Cbet Development: PalArch's *Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology*, 17(9), 4970-4981.